

شوک واردات و عقب‌ماندگی فنی در صنعت نساجی

۷ دی ۱۴۰۴ ساعت ۱۸:۲۵

در میانه قرن نوزدهم، در دورانی که برخی آن را عصر ظهور بورژوازی ایران می‌نامند، الگوی تجارت خارجی ایران دستخوش تحولی ویرانگر شد. این تحول نه تنها صادرات مواد خام را جایگزین محصولات ساخته‌شده کرد، بلکه ضربه مهلکی بر پیکره صنعت نساجی وارد ساخت. سهم منسوجات در صادرات از ۶۱ به ۱۹ درصد سقوط کرد، در حالی که واردات پارچه به طور تصاعدی افزایش یافت. این جابه‌جایی، که در تضاد با موازنه جهانی به نفع محصولات ساخته‌شده بود، چه بهایی برای معیشت جامعه و امنیت غذایی ایران به دنبال داشت؟ بررسی دقیق ارقام، زوال صنعت و تنگنای اقتصادی ناشی از آن را آشکار می‌سازد

این تحول، به ویژه در صنعت نساجی، نشان‌دهنده تأثیر مخرب رقابت خارجی و عدم توانایی ایران در تطبیق با پیشرفت‌های فنی بود. این وضعیت، در کنار افزایش جمعیت و کاهش احتمالی تولید مواد غذایی، به وخامت اوضاع اقتصادی و فقر عمومی منجر شد: «آنچه می‌ماند نکاتی است درباره ترکیب بازرگانی خارجی ایران افزایش تولید و صادرات فرآورده‌های کشاورزی تجاری و در نتیجه کاهش سایر تولیدات کشاورزی مورد توجه برخی از صاحب‌نظران و از جمله عیسوی و کدی قرار گرفته است. لیکن باید تأکید کرد که تغییر الگوی بازرگانی ایران صرفاً یا عمدتاً در افزایش صادرات فرآورده‌های تجاری و کاهش صادرات محصولات غذایی خلاصه نمیشد. از این گذشته محور اصلی تغییر مزبور این بود که صادرات مواد اولیه به طور قابل ملاحظه‌ای جایگزین صادرات محصولات ساخته‌شده بشود. اکنون به اختصار ارقام جدول ۳۷ را بررسی میکنیم ریز واردات نشان می‌دهد که در دهه‌های ۱۲۳۰ / ۱۸۵۰ تا ۱۲۶۰ / ۱۸۸۰ واردات منسوجات بر حسب درصد اندکی کاهش داشته است. البته با توجه به افزایش چشمگیر کل واردات در بیست سال آخر این دوره، کاهش مزبور نشانه افزایش مطلق بسیار بالایی است. از سوی دیگر سهم منسوجات در صادرات ایران در همین دوره به شدت پایین آمد از ۶۱ به ۱۹ درصد حتی اگر چنان که باید در این رقم سهمی هم برای صادرات ابریشم خام قایل شویم علاوه بر این واقعیت که در اواسط دهه ۱۲۴۰/۱۸۶۰ و در پی شیوع آفتی مخرب تولید ابریشم رو به زوال نهاد باز هم چنین کاهش قابل توجه است. بررسی مجزای مورد منسوجات نخی و پشمی نیز شایان توجه است تصادفی نیست که سهم این بخش از ۲۳ به ۱ درصد کل صادرات کاهش یافت در حالی که سهم پنبه در همین زمان از ۱ به ۷ درصد کل افزایش یافته است. باید توجه داشت که این تغییر الگوی صادرات در دورانی رخ می‌نمود که در بخش اعظم آن رابطه مبادله بین‌المللی به زبان مواد اولیه و به سود محصولات ساخته‌شده در حال تغییر بود. افزون بر این صادرات پارچه ایران نه فقط به طور نسبی، بلکه به طور مطلق نیز کاهش یافته بود و از سوی دیگر واردات پارچه به طور مطلق افزایشی سریع داشت. از مجموع این دو مورد میتوان دریافت که در یک بازار داخلی کمابیش کاملاً باز قانون مزیت نسبی بر سر صنعت نساجی سست و ناتوان ایران چه آورد و این همه مربوط به زمانی است که بسیاری از نظریه پردازان آن را دوران رشد بورژوازی ایران میدانند بهای این کالاهای

خارجی که جایگزین محصولات داخلی میشد میبایست حتی الامکان از طریق افزایش قابل ملاحظه تولید فرآورده های کشاورزی، تجاری عمدتاً تریاک و همچنین برنج که حتی امروزه نیز در روستاها خوراکی تجملی به شمار می آید پنبه توتون و تنباکو و جز اینها پرداخت میشد. این امر در دورانی که بازدهی کار افزایش چندانی ندارد نهادهای جامعه انعطاف پذیری ندارند و از پیشرفت فنی خبری نیست، احتمالاً به کاهش و چه بسا کاهش مطلق - تولید مواد غذایی اصلی برای مصرف داخلی می انجامد حال با توجه به میزان افزایش روزافزون و قابل ملاحظه جمعیت، یکی دیگر از علل بالا بودن میزان تورم کمبود دایم مواد غذایی و گسترش فقر آشکار می شود؛ جای شگفتی نیست که در پایان قرن سیزدهم نوزدهم ثبات و تعادل داخلی ایران در گرو ورود مقادیر قابل ملاحظه ای مواد غذایی بود»

محمدعلی کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱، صص ۸۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/50283/ک-واردات-شو/سنجی-صنعت-فنی-ماندگی-عقب-واردات-شو>